



## نقد دیدگاه ابن تیمیه در احتفال بمولد النبی ﷺ

علی اکبر لطفی\*

### چکیده

احتفال بمولد النبی ﷺ از مراسم‌هایی است که در جامعه اسلامی رایج است و مسلمانان زیادی در این برنامه شرکت می‌کنند و حتی اموالی را به‌شکرانه میلاد ایشان در این راه انفاق می‌نمایند. ابن تیمیه با تفسیری خاص از «سنت» و «بدعت»، ضمن بدعت دانستن این مراسم به‌دلیل «عدم‌اهتمام پیامبر ﷺ به این احتفال» و «عدم‌اهتمام سلف بر انجام این مراسم با وجود مقتضی و نبود مانع» با اجرای این مراسم‌ها مقابله کرده و این مراسم را از مصادیق بدعت خوانده است؛ تا جایی که برگزارکنندگان این جشن را بدعت‌گذار در دین، و کافر دانسته است. اما با تکیه بر آیات شریف قرآن و همچنین منابع معتبر روایی، به‌خوبی روشن می‌شود که این ادعای ابن تیمیه بی‌اساس است؛ زیرا بنا بر آیاتی که پیامبر ﷺ را «رحمة للعالمین» می‌داند و ما را به شکرگزاری و شادی به‌واسطه این رحمت الهی ملزم می‌کند، و همچنین با تکیه بر منابع معتبر روایی، اثبات می‌شود که شادی به‌واسطه میلاد پیامبر ﷺ امری نیکو و پسندیده است. روایاتی مانند روایت روزه‌گرفتن پیامبر ﷺ در روز دوشنبه، روایت تخفیف در عذاب ابولهب به‌واسطه آزادکردن «ثوبیه» به‌خاطر خبردادن از تولد پیامبر ﷺ، و روایت روزه روز عاشورا، شرعی بودن این عمل را اثبات کرده‌اند. علاوه بر این، دیدگاه و سیره علما در قرن‌های متمادی بر این بوده است که به برگزاری جشن تولد پیامبر ﷺ اهتمام داشته باشند. در اثبات مشروعیت آن نیز کتاب‌های متعددی نگاشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ابن تیمیه، احتفال، مولد النبی ﷺ، پیامبر ﷺ، بدعت، جشن میلاد.

---

\* کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، پژوهشگر مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت ﷺ و استاد مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی مدرسه المهدی ﷺ وابسته به جامعة المصطفی ﷺ العالمية.

## مقدمه

تعظیم مقام پیامبر ﷺ و احترام به ایشان از اموری است که بر همه مسلمانان لازم و واجب است. یکی از راه‌های احترام به پیامبر ﷺ، ابراز خوشحالی و شکرگزاری از خداوند به خاطر تولد این مولود بابرکت است. ابن تیمیه با تعریف خاصی که از «سنت» و «بدعت در دین» دارد، این مراسم را خارج از دایره سنت، و مصداق بارز بدعت دانسته است. از آنجایی که امروزه گروهی با تمسک به دیدگاه‌های این شخص اقدام به ایجاد تنش در جامعه اسلامی و تکفیر دیگر مسلمانان کرده‌اند، لازم است ابتدا به بیان دیدگاه وی، و سپس با تکیه بر کتاب، سنت و کلام بزرگان دین به نقد عالمانه این دیدگاه پرداخته شود تا حقیقت امر در این مسئله روشن شود. بزرگان دین، در نقد این اندیشه ابن تیمیه آثاری تألیف کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: حسن المقصد فی عمل المولد نوشته سیوطی، البيان النبوي عن إحتفال بمولد النبی نوشته محمد زین، و أهداف الإحتفال بمولد سید الأنام محمد ﷺ نوشته سعید رمضان بوطی. البته در این آثار، به صورت خاص به دیدگاه ابن تیمیه و نقد دیدگاه وی پرداخته نشده است؛ از این رو، در این نوشته، ضمن تعریف «بدعت» و «احتفال»، دو ادعای ابن تیمیه در باب «احتفال» بیان شده و به نقد علمی آن از منابع معتبر اهل سنت پرداخته شده است.

## مفهوم بدعت

شکی نیست که بدعت در دین از امور مردود و حرام است؛ اما برای تبیین حقیقت معنای بدعت و اینکه چه اموری بدعت در دین محسوب می‌شود، باید ابتدا مفهوم بدعت و سپس اقسام آن را بیان کرد:

«بدعت» در لغت، از البدع یا الإبداع گرفته شده، و عبارت است از احداث چیزی که قبلاً نبوده و حال ایجاد شده است؛<sup>۱</sup> همان گونه که در آیه ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ آمده است.<sup>۲</sup>

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، ص ۵۴؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۶.

۲. سوره بقره، آیه ۱۱۷.

در اصطلاح فقها، برای بدعت تعریف‌های متعددی بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. ابن‌رجب حنبلی می‌گوید:

بدعت عبارت است از احداث چیزی در شرع که برای آن اصلی در دین نباشد؛ اما در صورتی که برای آن فعل، اصلی در شریعت وجود داشته باشد، بدعت حرام نخواهد بود؛ هرچند از جهت لغوی اطلاق بدعت بر آن، صحیح باشد.<sup>۱</sup>

ابن‌حجر عسقلانی می‌نویسد: «بدعت عبارت است از احداث اموری در شرع که قبلاً برای آن مشابهی وجود نداشته است».<sup>۲</sup> ابن‌حجر هیتمی بدعت را این‌گونه تعریف می‌کند: «بدعت عبارت است از آنچه برخلاف شرع وضع شود، بدون اینکه دلیل خاص یا دلیل عامی برای آن وجود داشته باشد».<sup>۳</sup>

با دقت در تعریف بدعت نزد بزرگان اهل سنت، این مطلب به دست می‌آید که همه آنان بر اینکه بدعت بر اموری اطلاق می‌شود که پیشینه شرعی، و دلیلی برای آن نباشد، اتفاق نظر دارند.

### احتفال بمولد النبی ﷺ

یکی دیگر از مفاهیمی که در بحث «احتفال بمولد النبی ﷺ» مورد توجه است، تبیین مفهوم احتفال است. «احتفال» در لغت، مصدر باب افتعال از ماده «حفل یحفل» است که به معنای اجتماع آمده است.<sup>۴</sup>

در اصطلاح نیز، مراد از «مولد النبی ﷺ» همان زمان تولد ایشان در سال عام الفیل است و منظور از «احتفال بمولد النبی ﷺ» برگزاری مراسم جشن همراه با تلاوت قرآن و مدح پیامبر ﷺ و همچنین اطعام به حاضران از باب شکرگزاری این نعمت بزرگ است.<sup>۵</sup>

۱. ابن‌رجب، عبدالرحمن بن احمد، جامع العلوم و الحکم، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۵۳.

۳. ابن‌حجر هیتمی، احمد بن محمد، الفتح المبین بشرح الأربین، ص ۴۷۶.

۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۵۷.

۵. عصری، سیف بن علی، البدعة الإضافية، ص ۴۸۵.

## بیان دیدگاه ابن تیمیه در احتفال بمولد النبی ﷺ

از اموری که ابن تیمیه به عنوان بدعت از آن یاد کرده، برگزاری جشن میلاد پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. وی برای بدعت خواندن مراسم احتفال، دو ادعا دارد که آنها را بیان می‌کنیم:

### ادعای اول: عدم اهتمام پیامبر ﷺ به این احتفال

ابن تیمیه درباره احتفال بمولد النبی ﷺ معتقد است:

آنچه بین مسلمانان از اعیاد و احتفال‌ها شایع است، پیامبر ﷺ انجام نداده‌اند، بلکه از آن نهی کرده‌اند. حتی صحابه و تابعان نیز، که از قرون فاضله هستند، این عمل را انجام نداده‌اند و به شدت با آن مخالفت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

البته ابن تیمیه در جای دیگری تصریح می‌کند:

تعظیم و جشن شب میلاد پیامبر ﷺ، که از سوی برخی افراد صورت می‌پذیرد، مورد قبول خداوند است و به آنان به خاطر تعظیم پیامبر ﷺ و حسن نیت آنها اجر داده می‌شود؛ البته مؤمنان این کار را انجام نمی‌دهند.<sup>۲</sup>

اما برخی از سلفیان در توجیه این کلام ابن تیمیه گفته‌اند که این کلام او صرفاً بیانگر اعطای ثواب از ناحیه خداوند به این افراد است به خاطر محبتی که به پیامبر ﷺ دارند، نه به این اعتبار که احتفال جایز است؛ زیرا اگر از باب مشروعیت آن بود، حتماً سلف به آن عمل می‌کردند.<sup>۳</sup>

### نقد ادعای اول ابن تیمیه

ابن تیمیه مدعی است جشن میلاد پیامبر ﷺ از سوی ایشان مورد تأیید نبوده، و حضرت اهتمامی به این روز نداشتند؛<sup>۴</sup> در حالی که با مراجعه به قرآن و منابع معتبر اهل سنت

۱. «أن ما شاع بين المسلمين من أعياد و احتفالات لم يكن يفعله الرسول ﷺ بل نهى عنه، و لم يكن الصحابة و لا التابعون خلال القرون الفاضلة يفعلون ذلك، بل كانوا ينهون عنه و يحذرون من الوقوع فيه». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۵۶).

۲. «تعظیم المولد، و اتخاذه موسماً، قد يفعله بعض الناس، و يكون له فيه أجر عظیم لحسن قصده، و تعظیمه لرسول الله ﷺ، كما قدمته لك أنه يحسن من بعض الناس، ما يستقبح من المؤمن المسدد». (همان، ج ۲، ص ۱۲۶).

۳. جمعی از علما، رسائل فی حکم الإحتفال بمولد النبی ﷺ، ص ۴۶.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۴۱۴.

خلاف دیدگاه وی اثبات می‌شود.

### دلیل اول: قرآن کریم

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.<sup>۱</sup> خداوند در این آیه به درود فرستادن بر پیامبر ﷺ دستور می‌دهد و آن را به زمان حضور، غیبت، حیات یا ممات مقید نکرده است؛ پس فهمیده می‌شود که در هر حال، بر ما لازم است که بر پیامبر ﷺ درود و صلوات بفرستیم و شب میلاد ایشان نیز از این موارد است.<sup>۲</sup>

همچنین آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾،<sup>۳</sup> پیامبر گرامی ﷺ را مایه رحمت برای عالمیان معرفی کرده است<sup>۴</sup> و خود پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُّهْدَاةٌ».<sup>۵</sup> خداوند در آیه دیگری نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾؛<sup>۶</sup> (بگو به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند؛ زیرا این دو از هرچه می‌اندوزند، بهتر است). مشهور مفسران مصداق بارز ﴿فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا﴾ را پیامبر گرامی ﷺ دانسته‌اند.<sup>۷</sup> پس، از آنجایی که پیامبر ﷺ به‌عنوان بزرگ‌ترین رحمت الهی برای بندگان است، باید به‌واسطه تولد این مصداق بارز رحمت الهی، شکر خدا را به جا آورد و شاد بود.<sup>۸</sup>

### دلیل دوم: روایات

علاوه بر آیات قرآن، در منابع روایی نیز روایاتی از پیامبر ﷺ در باب احتفال وارد شده است که برخی از این روایات عبارت است از:

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶.
۲. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی ائمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۸۳.
۳. سوره انبیا، آیه ۱۰۷.
۴. شقیطی، محمد امین، أضواء البیان، ج ۴، ص ۲۵۱.
۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۶۶.
۶. سوره یونس، آیه ۵۸.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۳۳.
۸. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی ائمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۱۶.

## ۱. روزه گرفتن پیامبر ﷺ در روز دوشنبه

در روایتی از کتاب صحیح مسلم آمده است:

وقتی از پیامبر ﷺ درباره روزه ایشان در روز دوشنبه سؤال شد، ایشان فرمودند: «این همان روزی است که در آن روز متولد شدم و همان روزی است که در آن روز مبعوث شدم».<sup>۱</sup>

علاوه بر صحیح مسلم، این روایت در منابع معتبر اهل سنت وارد شده است که برخی از این منابع عبارت‌اند از: سنن أبي داود،<sup>۲</sup> السنن الكبرى للنسائي،<sup>۳</sup> صحیح ابن حبان،<sup>۴</sup> مسند الإمام أحمد بن حنبل<sup>۵</sup> و مسند أبي يعلى.<sup>۶</sup>

شارحان ذیل این حدیث تصریح کرده‌اند که استحباب روزه روز دوشنبه، به‌خاطر این است که خداوند در این روز بر ما مسلمانان منت گذاشته و تولد پیامبر ﷺ را در این روز قرار داده است.<sup>۷</sup> از این رو، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به‌واسطه عید بودن این روز، خداوند روزه را در این روز مقرر فرموده، و چه عیدی بالاتر از اینکه خداوند پیامبر رحمت ﷺ را در این روز برای ما فرستاده است.<sup>۸</sup>

ابن رجب حنبلی نیز در شرح این روایت تصریح می‌کند:

این روایت بر استحباب روزه در ایامی دلالت دارد که خداوند به بندگانش نعمت می‌دهد و بالاترین نعمت الهی نیز تولد پیامبر ﷺ است؛ از این رو، تجدد روزه این روز در تمام سال، به‌منزله شکر این نعمت بزرگ الهی است.<sup>۹</sup>

همچنین از روایت مذکور استفاده می‌شود که پیامبر ﷺ از باب برکت این روز و

۱. «و سُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ. قَالَ: "ذَلِكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ، وَ يَوْمٌ بُعِثْتُ"». (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۱۹، ح ۱۱۶۲).

۲. «عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، بِهَذَا الْحَدِيثِ. زَادَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ صَوْمَ يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ، وَ يَوْمِ الْخَمِيسِ قَالَ فِيهِ: وُلِدْتُ وَ فِيهِ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ». (سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۲۲).

۳. نسائی، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، ج ۳، ص ۲۱۴.

۴. ابن حبان، محمد، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۴۰۸.

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۷، ص ۲۴۴.

۶. ابویعلی، احمد بن علی، مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۱۳۳.

۷. همید، سلیمان، إعانة في شرح صحيح مسلم، ص ۷۱.

۸. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الأجوبة المرضية، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

۹. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، لطائف المعارف، ص ۹۶.

اهمیت آن، این روز را روزه می‌گرفتند. همچنین، از آنجایی که روزه پیامبر ﷺ در این روز، از باب شکر و شادی از تولدشان بوده است، انجام اعمال دیگری از قبیل اطعام مسلمانان و فقرا، جمع شدن برای بیان فضایل پیامبر ﷺ، و صدقه‌دادن نیز در این روز جایز است و کسی بین روزه‌گرفتن و دیگر افعال خیر فرقی قائل نشده است.<sup>۱</sup>

ممکن است کسی اشکال کند که در روایت کلمه «روزه» آمده است و بقیه امور که در مراسم احتفال صورت می‌پذیرد، خلاف روایت است. در جواب وی گفته می‌شود که بزرگان دین تصریح کرده‌اند هرگاه شارع عملی را جهت تقرب بندگان شرعی دانست، هر عمل مشروعی که ما را به این هدف شارع برساند، جایز است.<sup>۲</sup>

## ۲. تخفیف در عذاب ابولهب به خاطر آزادکردن «ثوبیه»

از روایاتی که بیانگر مشروعیت «احتفال بمولد النبی ﷺ» است و بزرگان به آن استناد کرده‌اند، روایتی از منابع معتبر اهل سنت است که بیان می‌کند:

قال رسول الله ﷺ: أَرْضَعْتَنِي وَأَبَا سَلَمَةَ ثُؤَيْبَةَ... قَالَ عُرْوَةُ، وَثُؤَيْبَةُ مَوْلَاةٌ لِأَبِي لَهَبٍ: كَانَ أَبُو لَهَبٍ أَعْتَقَهَا، فَأَرْضَعَتِ النَّبِيَّ ﷺ، فَلَمَّا مَاتَ أَبُو لَهَبٍ أَرِيَهُ بَعْضُ أَهْلِهِ بِشَرِّ حَبِيبَةٍ، قَالَ لَهُ: مَاذَا لَقِيتَ؟ قَالَ أَبُو لَهَبٍ: لَمْ أَلْقِ بَعْدَكُمْ غَيْرَ أَنِّي سَقِيتُ فِي هَذِهِ بَعْتًا قَتِي ثُؤَيْبَةَ؛<sup>۳</sup>

پیامبر ﷺ فرمودند: «ثوبیه به من و اباسلمه شیر داد...». عروه بن زبیر گفت که ثوبیه کنیز ابولهب بود که او این کنیز را [به‌خاطر بشارت‌دادن به ولادت پیامبر ﷺ] آزاد کرد. ثوبیه به پیامبر ﷺ شیر داد. زمانی که ابولهب از دنیا رفت، یکی از نزدیکان او (برادرش عباس) وی را در خواب دید و از او درباره وضعیتش سؤال کرد. ابولهب در جواب گفت: «وضعیتم خوب نیست و در عذاب هستم؛ مگر اینکه به‌خاطر آزادکردن ثوبیه، به من به‌اندازه یک مشت، آب می‌دهند».

ابن جزری این روایت را دلیلی بر جواز احتفال بمولد النبی ﷺ دانسته است و تصریح

می‌کند:

۱. عثمان بن شیخ عمر، الالکی السنیه فی مشروعیه مولد خیر البریه، ص ۲۸؛ بابکر، حامد احمد، الحجج الدامغه و البراهین الساطعه، ص ۱۵.

۲. زین، محمود احمد، البیان النبوی عن فضل الإحتفال بمولد النبی ﷺ، ص ۴۸.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۹.

ابولهب را بعد از مرگش در خواب دیدند و از او پرسیدند که حالش چطور است. وی گفت: «در آتش جهنم هستم؛ اما هر شب دوشنبه عذاب از من برداشته می‌شود و این به خاطر آزاد کردنِ ثویبه (یکی از کنیزان وی) به خاطر بشارت دادن به ولادت محمد ﷺ و شیردادن وی به محمد ﷺ است». حال وقتی ابولهب، که خداوند در قرآن وعده جهنم را به وی داده است، به واسطه تولد پیامبر ﷺ مستحق تخفیف در عذاب است، حال مسلمانانی که به شکرانه تولد پیامبر ﷺ جشن بگیرد، چگونه خواهد بود؟ قسم می‌خورم که پاداش او ورود به بهشت است.<sup>۱</sup>

### ۳. روزه گرفتن در روز عاشورا

از ادله‌ای که برای جواز احتفال بمولد النبی ﷺ آورده‌اند، روایت روزه روز دهم محرم الحرام است که پیامبر ﷺ هنگام ورود به مدینه، گروهی از یهودیان را دیدند که در روز عاشورا روزه بودند. از آنان سؤال کردند که چرا آن روز را روزه گرفته‌اند. آنها در جواب گفتند: «زیرا این روز، همان روزی است که خداوند به واسطه موسی ﷺ ما را از دست فرعون رهایی بخشید و ما برای تعظیم و شکر این نعمت، این روز را روزه می‌گیریم». پیامبر ﷺ فرمودند: «ما از موسی سزاوارتریم».<sup>۲</sup>

ابن حجر عسقلانی این روایت را دلیل بر مشروعیت و استحباب احتفال بمولد النبی ﷺ دانسته است که هر سال مسلمانان به شکرانه تولد پیامبر رحمت ﷺ، در یک روز خاص به تلاوت قرآن و ذکرگفتن مشغول می‌شوند.<sup>۳</sup>

سیوطی نیز در ذیل این روایت تصریح می‌کند:

از این روایت استفاده می‌شود که این روزه، برای نزول رحمت و دفع بلا در روز معینی است که می‌توان این عمل را در سال‌های دیگر نیز انجام داد. از آنجایی که تولد پیامبر اسلام ﷺ بالاترین نعمت است، پس در این روز، عبادت از باب شکر به واسطه این نعمت جایز است.<sup>۴</sup>

۱. نک: مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۱۲.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷۰؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۹۲؛ سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۲۶.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، حسن المقصد في عمل المولد، ص ۳۱.

۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحاوي للفتاوى، ج ۱، ص ۲۲۹.

علاوه بر این، در برخی روایات وارد شده است که خود پیامبر ﷺ به صحابه آموزش می‌دادند که چگونه در وصف ایشان سخن بگویند و فضایل ایشان را در جمع بیان کنند؛ همان گونه که در این روایت شریف آمده است:

از ابن عباس روایت شده است که گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ در جلسه‌ای نشسته بودند که ایشان به طرف آنان حرکت کردند و زمانی که به نزدیکی آنان رسیدند، شنیدند که برخی اصحاب گفتند: «همانا خداوند ابراهیم را خلیل خود قرار داد». برخی گفتند: «همانا خداوند موسی را کلیم خود قرار داد». برخی گفتند: «عیسی کلمة الله و روح الله است». برخی گفتند: «آدم صفة الله است». پیامبر ﷺ داخل شدند و فرمودند: «کلام شما را شنیدم و آنچه گفتید همان گونه است. همانا من حبیب خدا هستم و بر این فخر نمی‌فروشم. در قیامت حامل لوائی هستم که آدم و تمام فرزندان او زیر آن خواهند بود و بر این فخر نمی‌فروشم. من اولین شافع در قیامت هستم و بر این فخر نمی‌فروشم. من حلقه در بهشت را به حرکت در می‌آورم. در بهشت باز می‌شود و خداوند من را داخل بهشت می‌کند، و همراه من، فقیران از مؤمنان هستند و من فخر نمی‌فروشم. من کریم‌ترین انسان‌ها از اول تا آخرین هستم و بر این، فخر نمی‌فروشم».<sup>۱</sup>

**ادعای دوم: عدم اهتمام سلف بر انجام این مراسم با وجود مقتضی و نبود مانع**  
ابن تیمیه قائل است که سلف احتفال بمولد النبی ﷺ را علی‌رغم اینکه مقتضی برای آنها موجود، و مانع نیز مفقود بوده است، انجام نداده‌اند؛ در حالی که محبت آنان به پیامبر ﷺ از ما بیشتر بوده است.<sup>۲</sup>

### نقد ادعای دوم ابن تیمیه

ابن تیمیه ادعا می‌کند که «احتفال» بدعت است؛ چراکه سلف چنین کاری را انجام نداده‌اند. این در حالی است که ابن قیم تصریح کرده است: «اینکه کسی بگوید فلان کار

۱. مبارکفوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، تحفة الأئودی بشرح جامع الترمذی، ج ۱۰، ص ۶۱؛ قاضی عیاض، عیاض بن موسی، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی ﷺ، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. «فإن هذا لم يفعله السلف، مع قيام المقتضي له و عدم المانع منه لو كان خيرًا. و لو كان هذا خيرًا محضًا، أو راجحًا لكان السلف أحق به منا، فإنهم كانوا أشد محبة لرسول الله ﷺ و تعظيمًا له منا، و هم على الخير أحرص». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحمیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۲۳).

جایز نیست چون سلف انجام نداده‌اند، دلیل بر جهل و عدم علم گوینده است. چه بسا سلف این کار را انجام داده‌اند و کسی شاهد بر آن نبوده است.<sup>۱</sup> عمل نکردن سلف، دلیل بر بدعت یا نامشروع بودن امور نیست؛<sup>۲</sup> بلکه تنها اثبات‌کننده سکوت آنان در برابر این فعل مستحب است و نبود دلیل خاص بر استحباب چیزی، دلیل بر عدم استحباب آن نیست و خود ابن تیمیه نیز بر این مسئله تصریح کرده و گفته است: «فنفی الحكم بالإستحباب لانتفاء دلیل معین من غیر تأمل باقی الأدلة خطأً عظیم»؛<sup>۳</sup> (نفی حکم استحباب به خاطر نبودن دلیل معین بر آن، بدون تأمل در دیگر ادله، خطایی بزرگ است). از این رو انجام ندادن سلف، دلیل بر عدم استحباب و ثواب نداشتن این عمل نیست و تنها در صورتی می‌توان بر منع آن حکم کرد که دلیلی از کتاب و سنت دال بر نهی از آن وجود داشته باشد که در این باب نهی وارد نشده است.<sup>۴</sup> شافعی نیز تصریح می‌کند:

هرکاری که احداث شود و با کتاب، سنت، اجماع و اثر مخالفت داشته باشد، بدعت خواهد بود و چنانچه کاری احداث شود و با این امور مخالفت نداشته باشد، بدعت نخواهد بود، بلکه پسندیده نیز است. از آنجایی که مراسم احتفال بمولد النبی ﷺ در بردارنده ذکر و بیان فضایل است، پس کاری نیک خواهد بود.<sup>۵</sup>

همچنین عدم مشروعیت احتفال به خاطر اینکه صحابه چنین کاری را انجام ندادند، زمانی صحیح خواهد بود که احتفال را امری «واجب» بدانیم؛ در حالی که کسی این ادعا را ندارد و همه کسانی که برای تولد پیامبر ﷺ، جشن برگزار می‌کنند، به «استحباب» آن قائل هستند.<sup>۶</sup> علاوه بر این، اعمالی از قبیل یادگیری علم نحو و ساخت مدارس نیز از اموری هستند که سلف آنها را انجام نداده‌اند و ما امروزه اهتمام زیادی بر این امور داریم و

۱. «و القائل أن أحدا من السلف لم يفعل ذلك قائل ما لا علم له به فإن هذه شهادة على نفی ما لم يعمله فما يدريه أن السلف كانوا يفعلون ذلك ولا يشهدون من حضرهم عليه». (ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، کتاب الروح، ص ۱۴۳).

۲. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۲۲.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۱، ص ۳۱۵.

۴. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۲۲۷.

۵. نک: همان، ص ۲۲.

۶. زین، محمود احمد، البيان النبوي عن فضل الإحتفال بمولد النبي ﷺ، ص ۳۷.

هیچ کسی نیز به بدعت بودن این امور حکم نداده است.<sup>۱</sup>

البته باید بیان کرد آنچه در مراسم احتفال بمولد النبی ﷺ انجام می‌شود، بیان مدح پیامبر ﷺ است که در زمان خود صحابه نیز رایج بود؛ همان طور که از اسلمة بن اکوع نقل شده است: «با پیامبر ﷺ در خیبر بودیم و مردی در وصف ایشان شعری بیان کرد. پیامبر ﷺ نیز به اشعار وی گوش دادند و نه تنها به او اعتراض نکردند، بلکه خوشحال هم شدند».<sup>۲</sup>

علاوه بر این، پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

مَنْ سَنَّ سُنَّةً صَالِحَةً فِي الْإِسْلَامِ فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجُورِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا؛<sup>۳</sup>

کسی که سنت حسنه‌ای را در اسلام ایجاد کند و بعد از مرگ شخص نیز به این سنت عمل شود، همان اجری که به انجام‌دهنده این عمل داده می‌شود، به وضع‌کننده آن نیز داده می‌شود.

از آنجایی که برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ چیزی جز دیدار مسلمانان با یکدیگر، اطعام مسلمانان و فقرا، و همچنین بیان فضایل پیامبر ﷺ نیست، مصداق بارز این روایت است. بر فرض که قبول کنیم در منابع دلیل خاصی بر انجام مراسم احتفال در دوران سلف با این کیفیت خاص رایج نبوده است، باید توجه داشت که این عمل از اموری است که بزرگان دین و همه مسلمانان در بلاد متعدد انجام می‌دهند و بنا بر روایتی که از عبدالله بن مسعود در منابع اهل سنت وارد شده است، هر کاری را که مسلمانان نیکو بدانند، نزد خداوند هم نیکوست و هر کاری را که مسلمانان زشت بدانند، نزد خداوند نیز زشت و ناپسند است.<sup>۴</sup> شارحان ذیل این روایت، آن را حسن دانسته و راویان این حدیث را توثیق کرده‌اند.<sup>۵</sup> از آنجایی که برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ از اموری است که

۱. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی ائمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۲۳.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۳۰.

۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۴۶۶؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۵؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۴۵.

۴. «فما رأى المسلمون حسنا، فهو عند الله حسن، و ما رأوا سيئا فهو عند الله سيئ». (ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۸۶؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۱۱۲).

۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۸۶.

مسلمانان به آن اهتمام دارند و آن را انجام می دهند، می توان ادعا کرد که مورد رضایت خداوند است.<sup>۱</sup> ابن تیمیه نیز تصریح کرده است: «إن ما ثبت حسنه فليس من البدع»؛<sup>۲</sup> (هر چیزی که نیکو بودن آن ثابت است، از بدعت‌ها نیست).

علاوه بر این، ما هر روز بعد از نماز یا دیگر اوقات در اجتماعی واحد به ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ مشغول هستیم و هیچ کس بر این کار اشکالی وارد نکرده است؛ لذا برگزاری مراسم احتفال نیز امری مشابه به همین مسئله است که مؤمنان اجتماع می کنند و به ذکرگفتن و صلوات بر پیامبر ﷺ مشغول می شوند.<sup>۳</sup> از سویی دیگر، در این زمان که تمام مردم به امور دنیایی خود مشغول هستند، شاید این بهانه خوبی باشد که لااقل سالی یک مرتبه اجتماع کنند و به ذکر و صلوات مشغول شوند و به این سبب ایمانشان نیز تقویت گردد.<sup>۴</sup>

همچنین اجتماع در مراسم‌های احتفال، چیزی جز بیان ذکر و صلوات بر پیامبر ﷺ نیست که پیامبر ﷺ نیز این کار را تأیید کرده اند. ایشان هنگام مشاهده اجتماع صحابه‌ای که مشغول ذکر بودند، بدین شرح به گفت‌وگو با آنان پرداختند:

پیامبر ﷺ فرمودند: «چرا نشسته‌اید؟» گفتند: «نشسته‌ایم و ذکر خدا را می‌گوییم و خدا را شکر می‌کنیم به‌خاطر اینکه ما را هدایت کرده و بر ما منت نهاده است.»  
پیامبر ﷺ فرمودند: «به خدا قسم، آیا برای این جلسه گرفته‌اید؟» گفتند: «به خدا قسم، بله. فقط برای این است.» سپس فرمودند: «همانا شما را قسم ندادم از باب اینکه در معرض تهمت بودید؛ بلکه جبرئیل نزد من آمد و خبر داد که خداوند در مقابل ملائکه به شما مباحثات می‌کند».<sup>۵</sup>

با توجه به این روایت شریف، برگزاری جلسه برای شکر خداوند مورد تأیید است و این

۱. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۲۱.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۸۸.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، حسن المقصد فی عمل المولد، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۱۹.

۵. «فَقَالَ: "مَا أَجْلَسَكُمْ؟" قَالُوا: "جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللَّهَ وَنُحَمِّدُهُ عَلَى مَا هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ، وَ مَنْ بِهِ عَلَيْنَا." قَالَ: "اللَّهُ مَا أَجْلَسَكُمْ إِلَّا ذَلِكَ؟" قَالُوا: "وَاللَّهِ مَا أَجْلَسْنَا إِلَّا ذَلِكَ." قَالَ: "أَمَّا إِنِّي لَمْ أَتَخْلِفْكُمْ تُهْمَةً لَكُمْ، وَ لَكِنَّهُ أَنَانِي جِبْرِيْلُ فَأَخْبَرَنِي، أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ"». (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۷۵).

همان کاری است که در مراسم‌های احتفال صورت می‌پذیرد.

از طرفی، بنا بر تصریح فقهای اهل سنت ابراز این شکر می‌تواند با امور مباح دیگری از قبیل دف‌زدن نیز همراه باشد؛ زیرا بنا بر آنچه در منابع اهل سنت وارد شده است، کنیزی هنگام ورود پیامبر ﷺ خطاب به ایشان عرض کرد: «یا رسول الله، من نذر کرده‌ام که به شکرانه حضور شما دف بزنم». ایشان نیز فرمودند: «اوف بنذرك»؛ (به نذرت وفا کن).<sup>۱</sup>

حمد بن محمد خطابی ذیل این روایت تصریح می‌کند:

دف‌زدن از امور واردشده در باب عبادات نیست؛ اما اگر از این جهت باشد که ابراز خوشحالی و فرح را ایجاد نماید [همان گونه که این کنیز به خاطر حضور پیامبر ﷺ دف زد] یا در مراسم‌های ازدواج استفاده شود، اشکالی ندارد.<sup>۲</sup>

## برکات احتفال بمولد النبی ﷺ

علاوه بر آنچه بیان شد، برگزاری مراسم احتفال در بردارنده برکاتی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱. تقرب به پیامبر ﷺ و جلب رضایت ایشان

یکی از فواید برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ و بیان فضایل ایشان در این مراسم، نزدیک‌تر شدن به پیامبر ﷺ و جلب رضایت ایشان است؛ چراکه بیان فضایل آن بزرگوار موجب خشنودی ایشان است؛ همان گونه که وقتی ابورواحه انصاری در وصف ایشان بیت‌هایی را سرودند،<sup>۳</sup> حضرت خوشحال شدند و در حق او دعا فرمودند.<sup>۴</sup>

۱. «رجع رسول الله ﷺ من بعض مغاربه فجاءت جاریة سوداء فقالت: "یا رسول الله، انی كنت نذرت ان ردك الله سالما ان أضرب علی رأسك بالدف". فقال: "ان كنت نذرت فافعلی و إلا فلا". قالت: "انی كنت نذرت". قال: "فقد رسول الله ﷺ، فضربت بالدف".» (ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۸، ص ۱۱۷).

۲. خطابی، حمد بن محمد، معالم السنن، ج ۴، ص ۶۰.

۳. شعر ابورواحه انصاری بدین شرح است:

و الله يعلم أن ما خاتني البصر	ینی تقرست فیک الخیر أعرفه
یوم الحساب فقد أزرى به القدر	أنت التبی و من یحرم شفاعته
تثیبت موسی و نصرًا کالذی نصروا	فثبت الله ما أتاک من حسن

۴. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۲۳۵.

## ۲. تقرب به خداوند به واسطه شنیدن فضایل پیامبر ﷺ

یکی دیگر از فوایدی که برگزاری مراسم‌های جشن تولد پیامبر ﷺ در بر دارد، «تقرب إلى الله» است؛ چراکه این مراسم‌ها مشتمل بر ذکر خداوند و شنیدن فضایل پیامبر ﷺ است؛ همان گونه که خداوند تقویت ایمان و استواری پیامبر ﷺ را به واسطه بیان قصه انبیای قبل قرار داده است و در قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ﴾<sup>۱</sup> (هر خبری از اخبار پیامبران را برای تو بازگو می‌کنیم تا تو را قوی دل گردانیم). ما نیز به این مهم نیاز داریم تا جهت استوار کردن ایمان خود به خداوند، داستان و فضایی از پیامبر ﷺ را بشنویم که بهترین موقعیت بیان این موارد، در ایام برگزاری مراسم‌های جشن تولد پیامبر ﷺ است.<sup>۲</sup>

نووی نیز تصریح کرده است: «اگر بیان مدح موجب تقویت ایمان و اقتدای بیشتر شخص به پیامبر ﷺ و معارف دین گردد، این امر و به تبع آن، شادی نیز مستحب است».<sup>۳</sup> ابن تیمیه دلیل بدعت بودن احتفال را انجام نشدن این فعل توسط پیامبر ﷺ و سلف دانسته است؛ در حالی که خودش تصریح دارد که انجام نشدن یک فعل توسط سلف، دلیل واحدی است که از اتفاق علما ضعیف‌تر است.<sup>۴</sup> در ضمن، تعداد زیادی از علما و مسلمانان اهتمام بر انجام این کار دارند؛ تا جایی که در جلسه‌ای که برای احتفال برگزار می‌شود، تعداد زیادی از علما شرکت می‌کنند و حتی به ذکر اشعار و فضایل می‌پردازند.

## دیدگاه علمای اهل سنت درباره احتفال بمولد النبی ﷺ

ابن تیمیه به شدت سعی دارد این عمل را بدعت و بی‌اساس جلوه دهد. این در حالی است که دیدگاه مشهور علمای اهل سنت بر جواز، و حتی تأکید بر برپایی مراسم جشن تولد پیامبر ﷺ است. برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. سوره هود، آیه ۱۲۰.
۲. مالکی حسنی، محمد، الإعلام بفتاوی أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة والسلام، ص ۸۰.
۳. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۱۸، ص ۱۲۶.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۱، ص ۳۱۳.

## ۱. دیدگاه عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی

وی تصریح دارد:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بعد از بعثت برای خودشان عقیقه کردند، هرچند که قبل از آن، جدشان نیز برای ایشان عقیقه کرده بود. آنچه رایج است، اکتفا کردن به یک مرتبه عقیقه است، مگر اینکه بگوییم هدف پیامبر ﷺ از این کار، شکر خداوند به خاطر تولد خود و انتخاب ایشان به عنوان پیامبر است. پس بر ما نیز مستحب است که به شکرانه تولد حضرت اجتماع کنیم و طعام دهیم و عباداتی انجام دهیم که موجب تقرب و شادی است.<sup>۱</sup>

سیوطی در جای دیگری آورده است:

اصل عمل مولد نبوی، که در آن گروهی از مسلمانان اجتماع می‌کنند و به تلاوت آیات و مدح پیامبر ﷺ و اطعام می‌پردازند، بدعت حسنه‌ای است که در دین ایجاد شده و به انجام‌دهنده آن ثواب داده می‌شود؛ زیرا این امر موجب تعظیم مقام پیامبر ﷺ و ابراز خوشحالی به خاطر ولادت ایشان است.<sup>۲</sup>

وی همچنین در پاسخ به کسانی که اشکال کرده‌اند که وفات پیامبر ﷺ نیز در روز

دوشنبه بوده پس استحباب روزه به این خاطر است، می‌گوید:

ولادت پیامبر ﷺ از بزرگ‌ترین نعمتهایی است که خداوند به مسلمانان داده و وفات ایشان نیز از بزرگ‌ترین مصیبت‌هایی است که بر مسلمانان وارد شده است. درباره تولد ایشان استحباب عقیقه وارد شده است، ولی درباره وفات ایشان، ذبح وارد نشده است؛ از این رو، می‌توانیم به عظمت روز ولادت پیامبر ﷺ پی ببریم و بر ما لازم است که این روز را گرامی بداریم.<sup>۳</sup>

## ۲. ابن کثیر

وی در معرفی شخصیت «ابوسعید کوبری» تصریح می‌کند:

او یکی از نیکوکاران، سادات بزرگوار و از پادشاهان خوب بود که برای او آثار نیکی بر شمرده‌اند. وی در شب ولادت پیامبر ﷺ جشنی بزرگ برگزار می‌کرد. شیخ

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحاوی للفتاوی، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۳۰.

ابوالخطاب نیز برای او کتابی در باب «احتفال مولد نبوی» نگاشته است.<sup>۱</sup>

ابن کثیر از این شخص تعریف و تمجید کرده است. اگر ابن کثیر به بدعت بودن احتفال معتقد بود، نمی‌بایست این گونه از شخصی تعریف کند که به برگزاری جشن میلاد اهتمام داشته است. علاوه بر این، ذهبی نیز در ضمن معرفی ابوسعید کوكبری، از تعابیری همچون متواضع، خیر، سنی و محب فقها در وصف وی استفاده کرده است.<sup>۲</sup>

### ۳. ابن حجر عسقلانی

وی در باب احتفال بمولد النبی ﷺ تصریح کرده است:

اصل عمل احتفال بمولد النبی ﷺ، عملی است که در زمان سلف وارد نشده است؛ با وجود این، مشتمل بر محاسن و سیئاتی است که اگر به امور حسنه آن عمل شود و از سیئات دوری گردد، امری پسندیده خواهد بود.<sup>۳</sup>

از این رو، با این توصیفات که ابن حجر مطرح کرده است، می‌توان این عمل را سنتی حسنه دانست.

### ۴. محمد بن عبدالرحمن سخاوی

وی در باب برگزاری مراسم جشن تولد پیامبر ﷺ آورده است: «زمانی که اهل صلیب (مسیحیان) شب میلاد پیامبرشان را جشن می‌گیرند و آن را شبی بزرگ می‌پندارند و آن را بزرگ‌ترین عید خود قرار داده‌اند، مسلمانان به این تکریم در حق پیامبرشان اولویت دارند».<sup>۴</sup>

### ۵. احمد بن محمد قسطلانی

وی می‌گوید که بعد از قرون ثلاثه (دوران سلف) مسلمانان همواره تولد پیامبر ﷺ را جشن گرفته‌اند و در شب تولد ایشان صدقه می‌دهند و سرور و شادی خود را ابراز می‌کنند.<sup>۵</sup>

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۱۳، ص ۱۵۹.

۲. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۳۳۶.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الحاوی للفتاوی، ص ۲۲۹.

۴. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الأجوابة المرضیة، ج ۳، ص ۱۱۱۷.

۵. «و لا زال أهل السلام یحتفلون بشهر مولده ﷺ، و یعملون الولائم، و یتصدقون فی لیالیہ بأنواع الصدقات، و یظهرون السرور، و یزیدون فی المبرات. و یعتنون بقراءة مولده الکریم، و یظهر علیهم من برکاته کل فضل عمیم». (قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ص ۸۹).

## نتیجه

با بررسی صورت گرفته در آثار ابن تیمیه، معلوم شد وی با تعریف خاصی که از بدعت دارد، اعمالی همچون «احتفال بمولد النبی ﷺ» را مصداق بارز بدعت می‌داند. در این باب، وی دو ادعا دارد: ۱. عدم اهتمام پیامبر ﷺ به احتفال؛ ۲. انجام ندادن این کار توسط سلف. وی با این دو ادعا معتقد است که باید از این مراسم جلوگیری شود. اما با تکیه بر آیات و روایات وارد شده از سوی پیامبر ﷺ در باب شادی ایشان و شکرگزاری خود حضرت بر تولدشان، معلوم شد این ادعاهای ابن تیمیه بی‌اساس، و مخالفت با عامه مسلمانان است؛ تا جایی که این ادعای وی با گفتار خود او در برخی از آثارش نیز منافات دارد. از جمله این روایات و دلایل بطلان این ادعاها می‌توان به این موارد اشاره کرد: روزه گرفتن پیامبر ﷺ در روز دوشنبه، تخفیف عذاب ابولهب به خاطر آزاد کردن ثویبه به واسطه خبر دادن از تولد پیامبر ﷺ، و همچنین سیره عامه مسلمانان در طول تاریخ بر ابراز محبت و شکر به واسطه برگزاری مراسم تولد پیامبر ﷺ.

## كتابتنا

١. قرآن كريم.
٢. ابن اثير، على بن محمد، **أسد الغابة في معرفة الصحابة**، تحقيق: على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٣. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **اقتضاء الصراط المستقيم؛ لمخالفة أصحاب الجحيم**، تحقيق: ناصر عبدالكريم العقل، بيروت: دار عالم الكتب، چاپ هفتم، ١٤١٩ق.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **الفتاوى الكبرى**، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، عربستان: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **مجموع الفتاوى**، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٦. ابن حبان، محمد، **الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان**، تحقيق: شعيب ارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٧. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، **فتح الباري شرح صحيح البخاري**، بيروت: دار المعرفة، چاپ اول، ١٣٧٩ق.
٨. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، **الفتح المبين بشرح الأربعمين**، تحقيق: نورس حلاق و قسى محمد و ديگران، جده: دار المنهاج، چاپ اول، ١٤٢٨ق.
٩. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب ارنؤوط و عادل مرشد و ديگران، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
١٠. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، **جامع العلوم و الحکم؛ في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم**، تحقيق: شعيب ارنؤوط و ابراهيم باجس، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هفتم، ١٤٢٢ق.
١١. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، **لطائف المعارف؛ فيما لمواسم العام من الوظائف**، بی جا: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
١٢. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، **كتاب الروح؛ فى الكلام على أرواح الأموات و الأحياء**، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
١٣. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، **البدایة و النهایة**، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
١٥. ابويعلی، احمد بن علی، **مسند أبى يعلى**، تحقيق: حسين سليم اسد، دمشق: دار المأمون،

چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۱۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعاني؛ في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني**، تحقيق: على عبدالباری عطيه، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۷. بابکر، حامد احمد، **الحجج الدامغة و البراهين الساطعة في جواز الاحتفال بمولد النبي الشريف**، بی جا: دراسات المنهجية في بناء المجتمع الصالح، بی تا.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحيح البخاري**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۹. جمعی از علما، **رسائل في حكم الإحتفال بمولد النبي ﷺ**، ریاض: دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۰. خطابی، حمد بن محمد، **معالم السنن؛ شرح سنن أبي داود**، حلب: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۵۱ق.
۲۱. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، **سنن الدارمي**، تحقيق: حسين سليم اسد الدارانی، عربستان: دار المغني، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۲. ذهبي، محمد بن احمد، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: جمعی از محققان تحت اشراف شيخ شعيب ارناؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
۲۳. زين، محمود احمد، **البيان النبوي عن فضل الإحتفال بمولد النبي ﷺ**، دبي: دار البحوث للدراسات الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۲۴. سجستاني، سليمان بن اشعث، **سنن أبي داود**، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۲۵. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، **الأجوبة المرضية؛ فيما سئل السخاوي عنه من الأحاديث النبوية**، تحقيق: محمد ابراهيم، بی جا: دار الراية، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۶. سيوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الحاوي للفتاوي**، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۴ق.
۲۷. سيوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **حسن المقصد في عمل المولد**، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
۲۸. شنقيطي، محمد امين، **أضواء البيان؛ في ايضاح القرآن بالقرآن**، لبنان: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۹. طبرانی، سليمان بن احمد، **المعجم الكبير**، تحقيق: حمدی بن عبدالمجيد سلفی، قاهره: مكتبة ابن تيمية، چاپ دوم، بی تا.
۳۰. عثمان بن شيخ عمر، **الآلي السنية في مشروعية مولد خير البرية**، بی جا: بی تا، بی تا.

۳۱. عصرى، سيف بن على، **البدعة الإضافية؛ دراسة تأصيلية تطبيقية**، عمان: دار الفتح، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
۳۲. فراهيدى، خليل بن احمد، **كتاب العين**، تحقيق: مهدى مخزومى، بی جا: دار مكتبة الهلال، بی تا.
۳۳. قاضى عياض، عياض بن موسى، **الشفاء بتعريف حقوق المصطفى ﷺ**، تحقيق: احمد شمنى، بی جا: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۴. قسطلانى، احمد بن محمد، **المواهب اللدنية بالمنح المحمدية**، قاهره: المكتبة التوفيقية، بی تا.
۳۵. مالکى حسنى، محمد، **الإعلام بفتاوى أئمة الإسلام حول مولده عليه الصلاة و السلام**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۳۶. مباركفورى، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم، **تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى**، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
۳۷. نسائى، احمد بن شعيب، **السنن الكبرى**، تحقيق: حسن عبدالمنعم شلى، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳۸. نووى، يحيى بن شرف، **المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج**، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.
۳۹. نيشابورى، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بی تا.
۴۰. هيميد، سليمان، **إعانة في شرح صحيح مسلم**، بی جا: مجلة رياض المتقين، آدرس: [www.Almootgen.Com](http://www.Almootgen.Com)